

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه
ادبیات منظوم سوگ و سور لرستان

استاد راهنما
دکتر حسین نجفدری

استاد مشاور
دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر
سهیلا سعیدی مهر

مرداد ماه ۱۳۸۷



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی
خانم سهیلا سعیدی مهر

تحت عنوان
ادبیات منظوم سوگ و سور لرستان

عنوان پایان نامه
ادبیات منظوم سوگ و سور لرستان

/ در تاریخ هئیت زیر بررسی کردند و پایان نامه با درجه به تصویب نهایی رسید.

- ۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر حسین نجفدوری با مرتبه علمی دکتری
- ۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر رادفر با مرتبه علمی دکتری
- ۳- استاد داور خارج از گروه دکتر قیس آل قیس با مرتبه علمی دکتری
- ۴- استاد داور داخل گروه دکتر عبدالحسین فرزاد با مرتبه علمی دکتری

امضای مدیر گروه

پیشکش به :

پدرم

مادرم

و آنان که به عشقشان نفس می کشم.

سپاس‌گزاری

بر خود واجب می‌بینم از زحمات اساتید ارجمند جناب دکتر نجفدوری، استاد راهنما و جناب دکتر رادفر، استاد مشاور این پژوهش، قدردانی و از پیگیری‌های دلسوزانه‌ی اساتید ارجمند سپاس‌گزاری کنم.

شرح حروف الفبا

حرف	شرح
<i>A - a</i>	فتحه
<i>ā</i>	مصوت بلند «ا»
<i>B - b</i>	ب
<i>ĉ</i>	چ
<i>D - d</i>	د
<i>e</i>	کسره
<i>ē</i>	«ی» مجهول
<i>ə</i>	کسره‌ای که کوتاه‌تر از کسره معمولی فارسی است
<i>f</i>	ف
<i>G - g</i>	گ
<i>H - h</i>	هـ
<i>i</i>	مصوت بلند «ای»
<i>j</i>	ج
<i>k</i>	ک
<i>l</i>	ل
<i>M - m</i>	م
<i>N - n</i>	ن
<i>o</i>	ضمه
<i>ō</i>	«واو» مجهول
<i>p</i>	پ
<i>Q - q</i>	ق
<i>R - r</i>	ر

s	ص-س
š	ش
T-t	ت
ū	مصوت بلند «او»
w	همچون «و» در عربی تلفظ می شود

حرف شرح

ḫ	خ
y	ی
z	ز
ẓ	ژ

شرح حروف الفبای لکی و لری

حرف شرح

ص	در تلفظ آن کناره‌ی ن به سمت راست لته‌ی بالایی می چسبد
ؤ	«واو» مجهول
ؤی	«واو» مجهول که به «ی» مجهول ختم می شود
ث	«ی» مجهول

چکیده

همچنان که زبان و ادبیات هر قومی با گذشت روزگار و با تحولات در معرض تغییرات قرار می‌گیرد، ادبیات بومی لرستان نیز تحت تأثیر تحولات، نه تنها دچار تغییرات شده بلکه در آستانه‌ی فراموشی گام نهاده است. از سوی دیگر با تحت تأثیر قرار گرفتن و آسیب پذیری موسیقی اصیل این سرزمین از موسیقی بیگانه، ادبیات بومی نیز به دلیل داشتن ارتباط تنگاتنگ با آن در غبار فراموشی اذهان فرو رفته است. بنابراین گردآوری و ثبت ادبیات کهن لرستان یاری صمیمانه‌ی پژوهشگران را می‌طلبد.

پژوهشگر کوشیده است در این پژوهش ابتدا با فصلی جداگانه مخاطبان را با اوضاع جغرافیایی، تاریخ و همچنین گویش های لرستان و وجه تسمیه لر آشنا کند. سپس در دو فصل جداگانه به آداب و آیین های سوگ و سور و همچنین ثبت ابیات آن دو پرداخته است. علاوه بر آن، ابیات علی سونه را که نه می توان آن را سوگ و نه سور دانست، در فصلی جداگانه گردآورده و در پایان به بررسی آرایه های ادبی ابیات سور، سوگ و علی سونه پرداخته است.

پژوهشگر براین باور است که نه تنها در حفظ ادبیات کهن لرستان کوشیده بلکه با گردآوری این ابیات بسیاری از واژه های اصیل و کهن لرستان و در نهایت ایران زمین از خطر نابودی مصون مانده است. علاوه بر آن بسیاری از باورها و فرهنگ قوم اصیل و نژاده ی لر که در پس واژه های این ابیات پنهان مانده و ممکن است با فراموشی ابیات به دست فراموشی سپرده شود، حفظ و ثبت شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
	پیشگفتار
۱۴-۲۸	فصل اول: کلیات
۱۵	بخش اول: اوضاع جغرافیایی لرستان
۱۶	موقعیت سرزمین کوهستانی لرستان
۱۶	رودها
۱۸	بخش دوم: لرستان در آینه‌ی تاریخ
۱۹	لرستان پیش از تاریخ
۱۹	لرستان در دوره‌ی تاریخی
۱۹	عیلامیان و کاسی‌ها
۲۰	لرستان در روزگاران ماد، هخامنشیان، سلوکیان و اشکانیان
۲۰	لرستان در روزگار ساسانیان
۲۱	لرستان بعد از اسلام (از ورود اسلام تا پایان عهد سلجوقیان)
۲۱	اتابکان لر کوچک
۲۲	والیان لرستان
۲۲	لرستان در روزگاران قاجار و پهلوی
۲۳	بخش سوم: وجه تسمیه لر و گویش‌های لرستان
۲۴	وجه تسمیه لر
۲۴	گویش‌های لرستان

۲۵	پراکنندگی جغرافیایی لک و لر
۲۶	پی‌نوشت‌ها
۲۹-۱۲۴	فصل دوم: سوگ
۳۰	بخش اول: آداب و آیین‌های سوگ در لرستان
۳۱	درآمد
۳۱	مرگ
۳۴	بخش دوم: سوگ آواها
۳۵	درآمد
۳۶	مویه‌های لری
۸۷	مویه‌های لکی
۱۱۸	هوره
۱۱۹	رارا
۱۲۲	پی‌نوشت‌ها

۲۰۵-۱۲۵	فصل سوم: سور
۱۲۶	بخش اول: آیین‌های سور در لرستان
۱۲۷	درآمد
۱۲۷	عروسی
۱۳۰	ختنه‌سوران
۱۳۱	تولد
۱۳۲	بخش دوم: سور آواها
۱۳۳	درآمد
۱۳۴	سیت بیارم
۱۵۵	بزران بزران
۱۵۹	بنا بنا
۱۶۳	هی لو هی لو
۱۶۹	هر بزازه‌ک
۱۷۲	مریم مریم
۱۷۴	مناظره

۱۷۴	کیودار
۱۷۷	سؤزه سؤزه
۱۷۹	زنگ زنگ
۱۸۱	آمان گل یا
۱۸۲	گرچی نیم گرچی
۱۸۴	همه لل
۱۸۵	مناظره
۱۸۶	شیرین سؤزه
۱۸۸	لرزم لرزانه
۱۸۹	بالا برز
۱۹۱	حوری لو
۱۹۵	هولوو گنم خره
۱۹۶	کؤش طلا
۱۹۷	کلنجه زرد
۱۹۷	کوچکله شیرازی
۲۰۳	پی نوشت ها

۲۰۶-۲۲۱

فصل چهارم: علی سونه

۲۰۷	علی سونه
۲۰۷	ابیات
۲۲۱	پی نوشت ها

۲۲۲-۲۳۵

فصل پنجم: آرایه‌های ادبی

۲۲۳	درآمد
۲۲۵	بخش اول: تشبیه
۲۲۶	تشبیه
۲۲۶	نمونه‌ای از تشبیهات
۲۳۲	بخش دوم: استعاره
۲۳۳	استعاره

۲۳۳	نمونه‌هایی از استعاره مصرّحه
۲۳۵	نمونه‌هایی از استعاره مکنیه تخیلییه (تشخیص)
۲۳۸	بخش سوم: کنایه
۲۳۹	کنایه
۲۳۹	نمونه‌هایی از کنایه
۲۴۱	بخش چهارم: اغراق
۲۴۲	اغراق
۲۴۲	نمونه‌هایی از اغراق
۲۴۶	بخش پنجم: تجاهل العارف
۲۴۷	تجاهل العارف
۲۴۷	نمونه‌هایی از تجاهل العارف
۲۴۹	بخش ششم: تلمیح
۲۵۰	تلمیح
۲۵۰	نمونه‌هایی از تلمیح
۲۵۲	پی نوشت ها
۲۵۳	نتیجه گیری
۲۵۴	فهرست مأخذ

پیشگفتار

لرستان سرزمینی است باستانی و دارای تاریخی کهن شاید به درازای عمر آرزوهای بشر و دارای ادبیاتی به همان قدمت که امروزه به تدریج رو به دیار فراموشی نهاده و روی در غبار نیستی پیچانده است. به گونه‌ای که در سال‌های اخیر سبب نگرانی دلسوزان فرهنگ و ادب این دیار شده است. بر همین اساس نیز نگارنده با آگاهی از غنا و پر بار بودن ادبیات منظوم سور و سوگ لرستان بر آن شده تا با گردآوری این ابیات اندکی از دین خود را نسبت به ادبیاتی که همدم و همدل وی به روزگار شادی و شب دلتنگی بوده است ادا کند. با این امید که توانسته باشد گامی _ هر چند نارسا_ در رفع این نگرانی و پاسداری از آثار فرهنگ دیرینه‌ی گوشه‌ای از ایران زمین و همچنین شناساندن ادبیات و فرهنگ پر بار این دیار به ناآشنایان با آن و به‌کارگیری آن در پژوهش‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناختی برداشته باشد.

هر چند تاکنون گام‌هایی در زمینه‌ی گردآوری و ضبط ادبیات و فرهنگ لرستان برداشته شده است، اما به جرأت می‌توان گفت نخستین گام‌ها در جهت ثبت و ضبط ادبیات و فرهنگ لرستان مرهون تلاش‌های پژوهشگر ارجمند، آقای **حمید ایزدپناه** است که تلاش‌های وی سرمشق و پیشرو پژوهش‌های بعدی از جمله این پژوهش می‌باشد. با این توضیح که نگارنده هرگز مدعی اینکه پژوهشی خالی از کم و کاستی انجام داده نمی‌باشد بلکه ضمن پوزش از کاستی‌ها خود را نیازمند راهنمایی دلسوزانه‌ی پژوهشگران و یاری دوستان در رفع کاستی‌های آن می‌داند.

نگارنده در این پژوهش ابیات کهن سور و سوگ **لکی و لری**، دو گویش عمده‌ی استان لرستان را بر اساس روش میدانی گردآوری کرده است. با این توضیح که ابیات و اطلاعات مربوط به رسوم و آداب از طریق مصاحبه با کهنسالان و مطربان محلی ثبت شده و علاوه بر آن کلیات پژوهش و برخی از اطلاعات که در درآمد فصل‌ها آمده براساس روش کتابخانه‌ای به دست آمده است.

هر چند سختی‌های موجود در این راه از طی مسافت‌های طولانی گرفته تا تنگی وقت و همچنین گاهی انگیزه نداشتن کهنسالان در نقل ابیات موانعی اساسی برای نگارنده به‌شمار می‌آمد، اما راهنمایی‌های سازنده‌ی **جناب دکتر نجفدوری**، استاد راهنما و همچنین **جناب دکتر رادفر**، استاد مشاور این پژوهش و یاری و همکاری دوستان بر انگیزاننده‌ی شوق نگارنده در این راه بود. از سوی دیگر همفکری و همدلی دوستانه‌ی خانواده و خویشان راهگشای پژوهش این‌جانب بوده است. پس بر خود واجب می‌بینم که از تلاش و کوشش بی‌دریغ اساتید ارجمند، دوستان و آنان که به عشقشان زنده‌ام سپاس‌گزاری کنم و دست همه‌شان را فروتنانه ببوسم.

فصل اوّل:

کلیات

بخش اوّل

اوضاع جغرافیایی لرستان

موقعیت سرزمین کوهستانی لرستان

لرستان سرزمینی است کوهستانی در جنوب غربی ایران، محصور در میان کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی زاگرس. از سمت مشرق به استان اصفهان، از غرب به استان ایلام، از شمال به استان همدان، از شمال غرب به استان کرمانشاه، از شمال شرق به استان مرکزی، از جنوب به استان خوزستان و از جنوب شرقی به استان چهارمحال و بختیاری متصل می‌شود.

هر چند که سرزمین لرستان در گذشته گستره‌ی وسیعی را از جنوب کرمانشاهان تا مرتفعات بندرعباس و شیراز در بر می‌گرفت، اما امروزه «با وسعت ۲۸۰۶۴ کیلومتر مربع، ۱/۷ درصد مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است.»^۲ لرستان با کورکوه (*kavar* یا *kōer*) به دو بخش پیش‌کوه و پشت‌کوه تقسیم شده است.

بخش پیش‌کوه (لرستان کنونی) با اسبث کؤ^۴ (*sbīkō*) به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که بخش شمالی، کوهستانی و سردسیر و بخش جنوبی، کم‌ارتفاع و گرمسیر است.^۵

گرین (Garin)، بزرگ‌ترین کوه منطقه‌ی شمالی، شاخه‌های متعددی دارد که از جنوب نهاوند شروع شده و تا نزدیکی بروجرد ادامه دارد.^۶

مهم‌ترین کوه‌های مرکزی لرستان اسبث کؤ (سفیدکوه) در جنوب غربی خرم‌آباد، مرکز این استان و دیگری کوه یافته (*yafta*) است که در نزدیکی خرم‌آباد از اسبث کؤ جدا می‌شود.^۷ از دیگر کوه‌های معروف بخش مرکزی می‌توان به هشتاد پصی^۸ (*pali*) در جنوب خرم‌آباد و کوه تاف (*Taf*) با قلعه‌ی معروف کؤ کلا (*kōkela*) اشاره نمود.^۹ دریاچه‌ی زیبا و معروف گهر (*Gahar*) که حاصل جمع شدن برفاب‌ها در میان گودالی طبیعی است، بر فراز این کوه قرار دارد.

رودها

سمره (semḍra) مهم‌ترین رود لرستان است که از کوه‌های استان‌های همدان، کرمانشاه و ایلام سرچشمه گرفته و به دلیل گذشتن از شهر باستانی سمره بدین نام، نام‌گذاری شده است و بعد از دریافت کشکو (*kashko*) یا کشکان و چند شاخه‌ی دیگر، کرخه را تشکیل می‌دهد.^{۱۰}

کشکو از بلندی‌های گرین، هرو و زاغه سرچشمه‌ی می‌گیرد^{۱۱} و بعد از گذشتن از بخش چغلونندی و ناحیه‌ی الیشر در ۳۰ کیلومتری خرم‌آباد با رودخانه‌ی خرم‌آباد برخورد می‌کند و پس از طی چند مسیر، با دریافت رود چولهول در افرینه، پایین‌تر از پلدختر به سیمره می‌پیوندد که بعد از آن کرخه نامیده می‌شود.^{۱۲}

از دیگر رودهای مهم، رود سزار (*sezar*) است که «از به هم پیوستن شاخه‌های تیره و ماربره تشکیل می‌شود».^{۱۳} در این رود حد فاصل میان بختیاری و لرستان است. که با عبور از تنگه‌های صخره‌ای و کوهستانی به سوی خوزستان روان می‌شود که از آن پس به آن دز می‌گویند.^{۱۴}

زال (*zal*) از دیگر رودهای سرزمین لرستان است که از کوه‌های کرکی (*korki*) سرچشمه می‌گیرد و در محلی به نام دمشا (*Dōmsha*) سمره را می‌برد.^{۱۵}

بخش دوم
لرستان در آینه‌ی تاریخ

لرستان پیش از تاریخ

بسیاری از باستان‌شناسان بر آنند که **لرستان** از دوره‌ی **موستری**^۶ (بیش از چهارصد قرن پیش از میلاد مسیح) مسکونی بوده است. از مشخصات این دوره می‌توان به سرنیزه‌های مثلثی شکل و تیغه‌های جانبی اشاره کرد.^{۱۷}

به دلیل موقعیت طبیعی دره خرم‌آباد و اینکه کوه‌های اطراف آن، منبع طبیعی ذخیره‌ی آب می‌باشد، بیشترین آثار مربوط به زندگی انسان‌های پیش از تاریخ در این دره کشف شده‌اند.^{۱۸} از جمله‌ی این غارها می‌توان غارهای **یافته**، **پاسنگر** و **کُنجی** را نام برد.^{۱۹}

لرستان در دوره‌ی تاریخی

عیلامیان و کاسی‌ها

بنابر پژوهش پژوهشگران، قدیمی‌ترین قومی که بر لرستان حکومت کرده است، **عیلامیان** بوده‌اند. دومورگان معتقد است که جلگه‌ی جنوب خرم‌آباد با **خای‌دالوی** متون آسوری مطابقت می‌کند و «در آنجاست که محتملاً شاه ایلام به هنگام حمله‌ی فاتحین شمال و اشغال ماداکتو به آن گریخته و پناه جسته است.»^{۲۰} همچنین بابل‌ها سرزمین عیلام را **الام** یا **الامتو** به معنی کوهستان و یا کشور طلوع خورشید می‌گفتند.^{۲۱} برخی بر آنند که خرم‌آباد در عهد عیلامیان پایتخت سلسله‌ی **سیماشکی** بوده است.^{۲۲}

«در اواسط هزاره سوم، کاسی‌ها در ناحیه مذکور به قدرت رسیدند و جانشینان عیلام در لرستان شدند.»^{۲۳} قبلی‌ترین منابعی که در آن‌ها از کاسیان نام برده‌اند، متون مربوط به قرن بیست و چهارم ق.م است که به عهد پوزور- اینشوشیناک می‌رسد.^{۲۴}

برخلاف باور برخی از باستان‌شناسان که نژاد کاسیان را آریایی می‌دانند دیاکونف معتقد است کاسیان در روزگاران دیرین در این ناحیه زندگی می‌کردند. همان‌گونه که خویشاوندان آنان، عیلامی‌ها، در سرزمین خود می‌زیسته‌اند.^{۲۵}

کاسیان مردمانی متمدن بوده که اسب را رام کرده‌اند و مفرغ را در ساخت اشیاء مختلف که جالب‌ترین آن‌ها «تزیینات پیچ در پیچی است که به سحر و خدایان اساطیری مربوط است.»^{۲۶}

لرستان در روزگاران ماد، هخامنشیان، سلوکیان و اشکانیان

گویی کاسیان «در دوران تسلط ماد همچنان استقلال خویش را حفظ کرده و شاهان هخامنشی هنگامی که می‌خواستند جهت لشکرکشی به سایر ممالک، سپاهی را از این حدود عبور دهند، به رؤسای این طایفه خراج می‌پرداختند»^{۲۷} و «همواره علیه اقتدار مادها و ایرانی‌ها ستیزه‌گری کرده‌اند و اسکندر مقدونی در غایت خاوری و بعدها هم آنتیگونوس در مرزهای باختری با دژها و موانع نامنظر و دشمنی سخت این اقوام کوهستانی مواجه شده‌اند.»^{۲۸}

اگرچه از لرستان آن روزگاران آگاهی چندانی در دست نیست اما آثاری به دست ما رسید که همه مبین اهمیت این سرزمین در آن روزگاران است. آثاری همچون اشیا و ظروف نقره‌ای عهد هخامنشیان در **کلموکره** (*kalmokara*) و دژ صخره‌ای **کژگو** (*kōgo*) و سکه‌های یافته شده در آن، سر ستون‌های حجاری شده بر بالای کوه **رکی** (*Raki*) و از همه مهم‌تر معبد مهرپرستی در دره‌ی **بوواس** (*Bowās*) در جنوب غربی خرم‌آباد، که یادگار روزگاران اشکانی است.^{۲۹}

لرستان در روزگار ساسانیان

لرستان در روزگار ساسانیان جزو سرزمین «پهله» یا «پهلوه» از تقسیمات کشوری آن روز بود. بر همین اساس «از دوره‌ی صفوی به بعد در اسناد و روایات تاریخی این خطه را «لرستان **فیصی**» [*feyli*] گفته و نوشته‌اند. این عنوان که هنوز هم از پیران شنیده می‌شود، دگرگون شده «پهله» یا «پهلوی» است. به همین سبب زبان و دو بیتی‌های هجایی این سامان را فهلویات گفته و می‌گویند»^{۳۱}

در روزگار ساسانیان «ماسبذان یعنی پشت کوه یا ایلام و مهر جان‌دک - یعنی لرستان فعلی - پیش کوه بوده است.»^{۳۲}

از تاریخ چنین بر می‌آید که «تسلط واقعی شاهان ایران بر این قسمت که باعث آبادانی آن گشته... در عهد اردشیر بابکان، سر سلسله ساسانیان، انجام گرفته است، حاکمی که از طرف شاه ساسانی به این ناحیه فرمانروایی داشت، از خاندان معروف فیروزان انتخاب می‌گشت که خوزستان را نیز اداره می‌کرد. این وضع تا زمانی که اعراب به خوزستان و لرستان هجوم آوردند، باقی بود.»^{۳۳}

هم‌اکنون پل‌های فراوانی که نمونه‌ی شاهکارهای معماری ساسانیان است، همچنان از پس دژهای بلند تاریخ سر برافراشته‌اند.

لرستان بعد از اسلام (از ورود اسلام تا پایان عهد سلجوقیان)

از نیمه نخست قرن اول تا پایان قرن سوم، سرزمین لرستان زیر نظر خلفا اداره می‌شد.^{۳۴} با روی کار آمدن «آل بویه» لرستان به قلمرو حکومت حسنویه بن حسین بزریکانی درآمد که در تاریخ عهد وی و جانشینانش را عهد آل حسنویه می‌نامند.^{۳۵} از آثار به جا مانده‌ی این دوره در لرستان پل‌های بزرگی است بر رودهای کشکور سمره یادگار بدر بن حسنویه.^{۳۶} وی «از دینور تا اهواز و خوزستان و بروجرد و اسدآباد و نهاوند از قلاع و جبال و صحاری آنجا را در تصرف داشت»^{۳۷} سلسله‌ی «آل حسنویه» سرانجام به دست آل بویه به سال ۴۰۶ ه. ق منقرض گردید.^{۳۸} در جریان تاخت و تازهای سلجوقیان لرستان به سال ۴۳۵ ه. ق به تصرف برادر طغرل سلجوقی، ابراهیم ینال درآمد.^{۳۹} با روی کار آمدن ترکان، لرستان زیر سطره‌ی یکی از دودمان‌های ترک به نام بُرُسُقیان درآمد که تا روی کار آمدن اتابکان لر کوچک بر این سرزمین حکمرانی کردند.^{۴۰} از یادگارهای حکومت سلاجقه در این سرزمین، سنگ نوشته‌ای است در جنوب شرقی خرم‌آباد که قدمت آن به سال ۵۱۳ ه. ق می‌رسد.^{۴۱}

اتابکان لر کوچک

همزمان با فروپاشی سلجوقیان، شجاع‌الدین خورشید که از سرکردگان طایفه‌ی جنگروی لرستان بود و از طرف حسام‌الدین شوهرلی، یکی از امرای سلجوقیان، حکومت لرستان را عهده‌دار شده بود، توانست با مرگ شوهرلی، سلسله‌ی اتابکان لر کوچک را تشکیل دهد.^{۴۲} حکومت اتابکان لر بیش از پانصد سال در این سرزمین به طول انجامید و سرانجام به سال ۱۰۰۶ ه. ق به دست شاه‌عباس صفوی برانداخته شد.^{۴۳}

در جریان یورش مغول به ایران، اگرچه قلمرو اتابکان لر کوچک مورد تعرض قرار گرفت اما مستقیماً زیر نفوذ خلفای عباسی قرار داشت، تا اینکه دوره‌ی حکومت ایلخانان به دلیل اختلاف با خلیفه، دست یاری به سوی مغول دراز کردند و با سرنگونی خلیفه‌ی عباسی، خراج‌گزار مغولان شدند.^{۴۴}

لرستان به روزگار اتابک عزالدین حسین فرزند شجاع‌الدین محمود به دست تیمور لنگ، دو بار به تاراج رفت.^{۴۵}

والیان لرستان

شاه عباس صفوی با براندازی حکومت اتابکان به سال ۱۰۰۶ شخصی را به نام حسین خان فرزند منصور بیک سلپورزی به عنوان والی لرستان گماشت که حکومت آنان تا عهد پهلوی ادامه یافت.^{۴۶}

لرستان در روزگاران قاجار و پهلوی

لرستان پیش از حکومت قاجاریان، ایالتی آبادان بود که با بیدادگری و خودکامگی قاجاریان رو به ناامنی و هرج و مرج گذاشت.^{۴۷}

شاهان قاجار که والیان را برای خود خطرناک می‌دیدند، در ناتوانی آن‌ها کوشید به گونه‌ای که فتحعلی‌شاه لرستان را به دو بخش پیش‌کوه (لرستان کنونی) و پشت‌کوه (استان ایلام) تجزیه نمود. با تجزیه‌ی لرستان، پشت‌کوه مرکز حکومت والیان قرار گرفت و پیش‌کوه (لرستان) مستقیماً زیر نظر شاهزادگان و مأموران قاجار اداره می‌شد.^{۴۸}

با سرنگونی قاجاریان و روی کار آمدن حکومت پهلوی، اقداماتی برای ایجاد امنیت انجام گرفت که منجر به درگیری بین قوای دولتی و عشایر لرستان شد به گونه‌ای که عشایر لرستان به شدت مقابله کردند. اما سرانجام لشکر غرب به سرکردگی سپهبد احمدی، با دادن تلفات سنگین و با سختی‌های فراوان^{۴۹} از تنگ زاهد شیر گذشت و در آذرماه سال ۱۴۰۲ به خرم‌آباد دست یافت اگرچه باروری کار آمدن حکومت پهلوی هرج و مرج ناشی از حکومت ملوک‌الطوایفی تا حدودی کاستی گرفت اما به دلیل تمرکز امکانات در شهرهای بزرگ، وضعیت بسیار نامساعدی در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی به وجود آمد.^{۵۰}